

تطبیق و ارزیابی تقریر برهان نظم از دیدگاه ریچارد سوئین برن و جوادی آملی

زهرافنائی مقدم*

حسن عباسی حسین آبادی**

ابراهیم نوری***

چکیده

برهان نظم ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین برهان برای اثبات وجود خدا است. سادگی برهان برای مخاطب عام جذاب و اقناع‌کننده است. تقریر مبتنی بر تمثیل ساده‌ترین تقریر بود. با پیشرفت علوم تجربی و تجربه‌گرایی برهان نظم مورد انتقادات جدی قرار گرفت. نقدهای هیوم به صورت رسمی زنگ خطر برای ناکارآمدی این برهان به صدا درآورد. از این رو تقریرهای سنتی از برهان نظم به شدت متزلزل شدند. نظریه فرگشت کفه ترازو را به نفع منتقدان برهان نظم سنگین می‌کرد. در این میان الهیدانانی در سنت فلسفه غربی به فکر اصلاح و بازسازی مجدد این برهان برخاسته‌اند. ریچارد سوئین برن از جمله این الهیدان‌ها بوده است. وی با توسل تمایز میان دو نوع نظم، اصل تبیین و اصل سادگی تقریر استقرائی متناسب با گفتمان‌های علمی معاصر ارائه نموده است و به برهان نظم جان دوباره بخشید. در جهان اسلام جوادی آملی تقریر سنتی مبتنی بر قیاس را بازسازی نموده است. تقریر جوادی آملی علی‌رغم پایبندی به روش سنتی استدلال، یعنی استدلال قیاسی در تبیین مقدمات سعی شده است معضل استقراء در مشاهده نظم را از

* دکترای الهیات و معارف اسلامی، مدرس گروه معارف اسلامی (نویسنده مسئول)

(z.safaiemoghadam@gmail.com)

** دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه پیام نور.

*** دکترای فلسفه دین، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸)

طریق علم حضوری مرتفع شود. نظم تکوینی که برخاسته از عینیت و وجود خارجی است تنها براساس اصل علیت توجیه پذیر است و هر گونه صدفه و احتمال و تصادف کور منتفی می شود. توضیح ایشان در تشریح مقدمات همسو با گفتمان های علمی معاصر است. از این منظر قابلیت تطبیق با تقریر سوئین برن را دارد. پژوهش حاضر بیان دو تقریر و ارزیابی هر کدام از این تقریرها در مواجهه با چالش های برهان نظم است.

کلیدواژه ها: ریچارد سوئین برن، جوادی آملی، برهان نظم، نظم زمانی، اصل تبیین، نظم تکوینی، اصل علیت



مقدمه

نظم امری مشهود در جهان طبیعت است. طبیعتاً نظم مختص به مجموعه است و یک مجموعه منظم به طور اتفاقی و تصادفی شکل نمی‌گیرد و ناظم می‌خواهد. جهان نیز به‌عنوان یک مجموعه منظم ناظمی دارد. این ساده‌ترین برداشت از برهان نظم است. برهان نظم از کهن‌ترین، روشن‌ترین و سازگارترین برهان با خرد عمومی بشر برای اثبات وجود خدا است، (See: Kant, 1983) در برهان نظم ادعا بر این است که همانطور که با مشاهده ساعت به وجود ساعت‌ساز پی می‌بریم، از وجود مجموعه منظم، یعنی جهان به وجود ناظم پی خواهیم برد. این برداشت از نظم و کشف ناظم با مشاهده جهان منظم که همان برهان نظم است، طرفداران بی‌شماری در میان الهیدانان و فیلسوفان متقدم مسیحی داشت که عمدتاً مبتنی بر استدلال تمثیلی بود. تقریر ویلیام پیلی^۱ (۱۷۴۳-۱۸۵۰) نمونه شاخص از این نوع تقریر است. پیلی با توسل به تمثیل ساعت‌ساز برهان نظم را تدوین کرده است. (See: Paley, 1864)

هیوم نقدهای جدی به برهان نظم وارد کرده است. در سده‌های اخیر با توجه به پیشرفت‌های علوم تجربی به تبعیت از انتقادهای هیوم، برهان نظم دچار معضلات جدی شده است، به‌گونه‌ای خداناباوران آن را به‌عنوان شاهی برای اثبات مدعای خود بکار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال ریچارد داوکینز^۲ (۱۹۴۱) با استفاده از یافته‌های جدید

1- W. Paley

2- C.R. Dawkins

علمی به‌ویژه ساختار DNA نظم حاکم بر جهان را حاصل فرایند تصادفی و کور می‌داند. وی نظم حاکم بر جهان را بی‌نیاز از ناظم متافیزیکی تصور کرده است و قوانین علمی را پاسخگوی نظم حاکم بر جهان می‌داند (بنگرید به: داکینز، ۱۳۹۹). خاستگاه اصلی انتقاد داوگینز به نظریه فرگشت داروین^۲ (۱۸۸۲ - ۱۸۰۹م) برمی‌گردد که جهان را حاصل انتخاب طبیعی می‌داند، نه مجموعه‌ای منظم که برای رسیدن به هدف مشخص که با هم در تعامل هستند. به عبارتی نظریه داروین و طرفداران وی جهان را دارای نظم تصادفی، غیرهوشمند و بدون هدف در نظر می‌گیرند (بنگرید به: بنگرید به: جینز، ۱۳۹۷). آنان مدعی هستند جهان ممکن است به شکل گزینش فراینده^۳ در حال رشد و شکوفایی باشد، بدون آنکه نیازمند ناظمی باشد. گزینش فراینده نظریه برگرفته از فرگشت داروین است. در گزینش فراینده به این معناست که در یک سیستم طبیعی اجزاء مختلف در اثر تصادف - اگر چه بسیار دیر اتفاق افتد - در کنار هم قرار می‌گیرند، حد واسط‌های ناپایدار از میان می‌روند و اجزاء که به‌صورت پایداری با دیگر اجزاء مرتبط هستند، انتخاب و باقی می‌مانند، همانند میمونی که با تایپ چند هزار حرف بر اثر تصادف جمله‌ای معنادار می‌نویسد (فریژوه، ۲۰۰۹م).

در مقابل فیلسوفان خدا‌باور در سنت غرب از برهان نظم دفاع و سعی کردند تقریر

1-Evolution

2-C.R. Darwin

3- Increasing Selection

جدیدی از برهان نظم ارائه دهند که عمدتاً مبتنی بر استدلال استقرائی و حساب احتمالات است. فردریک رابرت تننت^۱ (۱۸۶۶-۱۹۵۷) و ریچارد سوئین برن^۲ (۱۹۳۴) از جمله این فیلسوفانی هستند که سعی در اصلاح و بازسازی برهان نظم دارند تا اشکالات مزبور را پاسخ گویند (See: Tennant, 1930 & Swinburne, 1984, 2004)

ریچارد سوئین برن فیلسوف و الهیدان مسیحی معاصر است که توجه ویژه‌ای به برهان نظم دارد که با رویکرد استقرائی از برهان نظم در پی بازسازی و تدوین جدید از برهان نظم است.

جدال‌ها صورت گرفته از این برهان که در جهان غرب شاهد هستیم، در میان فیلسوفان اسلامی مطرح نبوده است. این امر به دو دلیل عمده برمی‌گردد. اول اینکه برهان نظم نزد فیلسوفان مسلمان مبتنی بر براهین دیگر است و خود برهان مستقلاً برای اثبات وجود واجب نیست، بلکه تنها وجود ناظمی را اثبات می‌کند. این نقد را هیوم به صورت جدی تحت عنوان محدودیت برهان نظم مطرح کرده است. به دلیل محدودیت برهان نظم، سابقه درخشانی را نمی‌توان در مورد این برهان در میان متقدمین جستجو کرد.

مورد دوم این است که خاستگاه تطورات علمی و پیشرفت علوم تجربی غرب بوده است در حالیکه جهان اسلام از چنین وضعیتی برخوردار نبوده است. اما این امر دلیل بر بی‌اهمیت بودن این برهان نزد متأخرین نبوده است. به دلیل نقدهای جدی

1- F. R. Tennant

2- R.Swinburne

که متناظر با علوم تجربی بر برهان نظم وارد شده است، متأخرین نظیر شهید صدر، شهید مطهری و جواد آملی عنایت ویژه‌ای به این برهان داشته‌اند (بنگرید به: مطهری، ۱۳۸۲، شهید صدر، ۱۳۸۲) جوادی آملی فیلسوف نوصدرایی معاصر به این برهان توجه کرده است و با تحلیل دقیق سعی دارد این برهان را اصلاح و بازسازی کند. هدف از تدوین این مقاله مقایسه تقریر ریچارد سوئین برن فیلسوف معاصر غربی از برهان نظم با تقریر جوادی آملی مدافع دیگر برهان نظم در جهان اسلام است. بیان نکات قوت و ضعف دو تقریر و اینکه تا چه اندازه توانسته‌اند از نقدهای جدی، به‌ویژه تکامل که در باب این برهان مطرح است در امان بماند، هدف عمده این پژوهش است. بیان نکات قوت و ضعف دو تقریر می‌تواند کمک شایانی در بازسازی و اصلاح برهان نظم داشته باشد که امروزه با توجه روحیه علم‌گرایی رو به زوال رفته است.

۲. پیشینه و روش

در مورد برهان نظم کتاب‌ها و مقاله‌های بسیار زیادی به رشته تحریر در آمده است. کتاب‌های که متفکران غربی اعم از کلاسیک و معاصر نگاشته‌اند، پرشمارند. فیلسوفان اسلامی که عمدتاً از معاصرین هستند نیز کتاب‌های را به رشته تحریر در آمده است. ثبت و ضبط این کتاب‌ها فراتر از گنجایش این مقاله است. مقاله‌های متعدد در مورد برهان نظم نیز در پایگاه‌های علمی موجود است. براساس جستجو در پایگاه‌های علمی مقاله‌ای در باب مقایسه تقریر سوئین برن و جوادی آملی بر برهان نظم با تأکید بر مسائل برهان نظم مشاهده نشده است. مقاله‌های موجود در پایگاه‌های علمی که به موضوع مقاله حاضر نزدیک هستند عبارتند از:

۱. اصغر محمدی و سحر کاوندی «صورتبندی برهان نظم از منظر سوئین برن،

پژوهش‌های هستی‌شناختی»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۹۲، ص ۱۰۸-۹۳.

۲. غزاله حجتی، برهان نظم، «تکامل و تنظیم دقیق: بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های سوئین برن و مطهری»، فلسفه تحلیلی، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۳-۴۸.

برهان نظم از دیدگاه جوادی آملی مقاله‌ای مستقلاً به چاپ نرسیده است، هر چند برهان نظم در ضمن براهین اثبات وجود خدا از دیدگاه جوادی آملی مقالاتی به نگارش درآمده است. همچنین برهان نظم در مقایسه با دیگر اندیشمندان اسلامی از جوادی پور روستایی، با عنوان «بررسی برهان نظم از منظر اندیشمندان اسلامی معاصر»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم به چاپ رسیده است.

هدف مقاله حاضر تقریر اصل برهان نظم با تأکید بر اصلاح و بازسازی این برهان در مواجهه با نقدهای جدی‌ای است که این برهان با آن مواجهه است، که در هیچ کدام از مقاله‌های یاد شده مورد توجه نبوده است.

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع موجود اعم از کتابخانه‌ای و اینترنتی است. ابتدا تقریر سوئین برن و جوادی آملی ارائه و در ادامه نکات قوت و ضعف هر دو تقریر ارزیابی می‌شود. در نهایت اینکه تا چه اندازه این تقریرها توانسته‌اند معضلات این برهان را مرتفع سازند، بیان می‌شود.

۳. تقریر ریچارد سوئین برن از برهان نظم

سوئین برن فیلسوف، الهیدان و خدا‌باور معاصر غربی است که برای اثبات خدا تلاش

مجددانه انجام داده است. وی را می‌توان از فیلسوفان تحلیلی محسوب کرد که باروش تحلیلی سعی دارد گزاره "خدا وجود دارد" را بر گزاره متناقض آن یعنی "گزاره خدا وجود ندارد" با توسل به شواهد استقرائی و حساب احتمالات، محتمل سازد. هر چه شواهد و قرائن برای گزاره "خدا وجود دارد" بیشتر باشد، احتمال صدق گزاره بیشتر در نتیجه معقول‌تر و موجه‌تر است (Swinburne, p.3-5, 2004) به این نوع استدلال، استدلال از راه "بهترین تبیین"^۱ یا "انباشی"^۲ گفته می‌شود.

سوئین‌برن مدعی است براهین قیاسی اثبات وجود خدا در زمان فعلی کارایی ندارند و به‌خاطر نقدهای جدی که از آنها صورت گرفته قابل اعتماد نیستند (Swinburne, p.4-5, 2004) براهین غایت‌شناختی^۳، جهان‌شناختی^۴ و تجربه دینی^۵ از جمله براهینی هستند که سوئین‌برن از طریق برهان استقرائی در پی اثبات آن به‌عنوان شاهی برای افزایش احتمال باور به خدا به کار گرفته است. از این رو وی یک گزینه‌گرا محسوب می‌شود. برهان نظمی که از براهین غایت‌شناختی محسوب می‌شود در راستای چنین هدفی تعبیه شده است. برهان نظم مبتنی بر استقراء به‌عنوان یک گزینه برای افزایش احتمال برای اثبات گزاره مفروض، یعنی "خدا وجود دارد" عرضه شده است.

-
- 1- Inference to the best explanation
 - 2- Cumulative argument
 - 3- Teleological argument
 - 4- Cosmological argument
 - 5- Proof of religious experience

تقریر برهان نظم سوئین برن دارای چند مؤلفه است که تعریف و تبیین درست از آن بستر را برای تقریر وی از برهان فراهم می‌سازد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: دو نوع نظم؛ نظم زمانی و نظم مکانی، دو نوع تبیین: تبیین ناظر بر شخص و تبیین علمی، اصل سادگی. تعریف تحلیلی از این مؤلفه‌ها در حکم مقدمات برای تقریر نهایی برهان نظم از دیدگاه سوئین برن است.

۱-۳. دو نوع نظم

"جهان منظم است" از ادعاهای مورد تأکید برن است (Swinburne, p.1, 1988). وی این نظم را از یکسانی رفتار اجزاء عالم اخذ می‌کند. استدلال وی برای نظم حاکم بر جهان بر قوانین علمی متکی است. اگر اصل یکسانی نبود، قوانین علمی قابل کشف نبودند. رویکرد کلی وی در این باب این است که اجزاء عالم از بسیط‌ترین آن که ماده است، نظیر الکترون، پروتون، فتون‌ها و غیره همواره رفتار یکسانی را نشان می‌دهند. این اجزاء در اجسام مرکب، بزرگ‌تر و پیچیده‌تر نیز همان رفتار را نشان می‌دهند. به‌بیانی رفتارها در این نمونه‌ها یکسان است. همین یکسانی موجب کشف قوانین علمی شده است که حکایت از جهان منظم دارد. بدین ترتیب جهانی که در آن زیست می‌کنیم، جهان آشفته‌ای نیست (سوئین برن، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۵). یکسانی رفتار از استلزامات نظم است. منظور از نظم که همان یکسانی در نظر گرفته شده است، چیست؟

سوئین برن دو نوع نظم یا همان هماهنگی و یکسانی بین اجزای مجموعه را از

هم منفک می‌کند: نظم مکانی^۱ و نظم زمانی^۲. هر دو نوع نظم هم به صورت مصنوعی و هم طبیعی وجود در جهان دارند.

۱- نظم مکانی

نظم مکانی یا نظم مبتنی بر حضور مشترک یا هم‌حضور^۳ و قواعد تلاقی^۴ شناخته می‌شود. نظم مکانی الگوی از چینش مکانی در مقطعی از زمان است، مانند جاده‌های یک شهر که با زاویه ۹۰ درجه با هم تلاقی دارند. الگوی که در کتابخانه‌ها برای چینش کتاب براساس حرف الفبایی اجرا می‌شود نیز نوعی نظم مکانی است. چینش وسایل در جای مخصوص به خود در مقطعی از زمان نمونه‌ای از نظم مکانی مصنوعی است. قرار گرفتن اجزای بدن، مانند مغز در سر، قلب در سمت چپ بدن و مواردی از این نوع که هر کدام در جای مشخص قرار دارند، نمونه‌هایی از ساختارهای منظم طبیعی است (Swinburne, p.153-156, 2004).

۲- نظم زمانی

نظم زمانی یا نظم مبتنی بر توالی و تعاقب^۵ نوعی از نظم است که الگوهای ساده برای رفتار اشیاء هستند. بر اساس این نوع نظم اشیاء مطابق با قوانین خاص طبیعت عمل می‌کنند. برای نمونه براساس قانون جاذبه عمومی نیوتن^۶ اجسام یا ذرات به

- 1- Spatial order
- 2- Temporal Order
- 3- Regularities of co-presence
- 4- Intersection rules
- 5- Regularities of Succession
- 6-Newton's Law of Universal Gravitation

سمت زمین جذب می‌شوند. نظم زمانی، توالی منظم پدیده‌های طبیعی، نظیر آمد و شد شب و روز و آمدن فصول در پی هم است. قوانین موجود در علوم نظیر فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی همگی گواه روشنی از نظم است که از رفتارهای یکسان ماده اخذ شده است. براساس همین قوانین که تبلور نظم و یکسانی رفتار است، آینده قابل پیش‌بینی است (Ibid) نظم زمانی نظم ناظر بر توالی، نظیر قوانین فیزیکی نیوتن است که اشیاء مطابق با قوانین خاص طبیعت عمل می‌کنند. علم بانی و کاشف اصلی چنین نظمی هست.

نظم زمانی خود به دو صورت جلوه می‌کند: نظم زمانی بنیادی و دیگری نظم زمانی پدیده‌ای. نظم زمانی بنیادی قوانین خدشه‌ناپذیری هستند که همواره در طبیعت وجود دارد و نه تنها دانشمندان از آنها در کشف قوانین علمی بهره می‌برند و حتی آینده را با آن پیش‌بینی می‌کنند، مردم عادی و به تعبیری عقل متعارف نیز این نوع نظم را درک می‌کند و از آن به‌عنوان قانون پایدار و بنیادین استفاده می‌کنند. برای نمونه افراد عادی با سطح علمی کم نیز می‌دانند که اگر بذر در شرایط مناسب کشت قرار گیرد، جوانه می‌زند و مسیر رشد را طی می‌کند. در مقابل نظم بنیادین، نظم پدیده‌ای قرار دارد. این نوع نظم مبتنی بر قوانین بنیادین نیستند، در عین حالی که از نوعی نظم برخوردار هستند. نظم موجود در این پدیده‌ها براساس موقعیتی است که برای آن پدیده فراهم شده است، مثل حرکت آونگ یا پاندول ساعت که در یک وضعیت تعادل پایدار قرار گرفته است (هملتون، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۶).

سوئین‌برن به نظم زمانی عنایت ویژه‌ای دارد و در تبیین برهان نظم، آن را کارساز و کم‌اشکال‌تر می‌داند. وی نظم مکانی را دارای اشکالات صوری می‌داند. موجود

در برهان نظم مبتنی بر تمثیل را نظم مکانی می‌داند (Swinburne, p.199, 2004) که موجب انتقادات جدی به برهان نظم شده است. با توجه به آنچه گفته شد منظور از نظم در تقریر سوئین‌برن، نظم زمانی است.

۲-۳. دو نوع تبیین

بعد از بیان انواع نظم و مبتنی ساختن برهان نظم بر نظم زمانی پرسشی که مطرح می‌شود این است که این نظم چگونه ایجاد شده است؟ شاید از یک فرایند کور و غیرهوشمند ایجاد شده است، نظیر آنچه داروین بدان اشاره کرده است. سوئین‌برن برای پاسخ به این پرسش دو نوع تبیین را از هم متمایز می‌کند:

۱- تبیین علمی

تبیین علمی، همان تبیین ناظر به اشیای بی‌جان^۱ است، یعنی مبتنی بر قوه‌ها و قابلیت‌ها است که به آن تبیین اضطراری نیز می‌گویند (سوئین‌برن، ۱۳۸۱: ۵۶ و ۵۳). براساس این نوع تبیین رخداد پدیده‌ای نظیر B مبتنی بر پدیده قبلی نظیر A است. علم در تبیین چنین پدیده‌ای می‌گوید که A، B را پدید آورده است. تبیین علمی به چرایی و چگونگی پدیده‌های طبیعی موضوع تبیین علمی هستند. در چنین تبیینی اصل وجود پدیده‌ها مفروض گرفته و تنها به ماهیت پدیده‌ها توجه می‌شود. کشف خواص و ویژگی‌های اشیاء و کارکرد و کارایی این اشیاء نتایج و اکتشافات جدیدتری را در پی دارد. همگی این فرایندها محصول علم تجربی است. هدف تبیین ناظر بر اشیاء بی‌جان یا همان تبیین علمی، اثبات قوانین عام و کلی از طریق قوانین جزئی و محدود. برای مثال دانشمندان مشاهده کردند که برخی مواد زمانی که با وزن ثابت با

1- Inanimal explanation

هم ترکیب شوند، ماده جدید شکل می‌گیرد. با فرض این قانون وجود صدها نوع اتم مختلف دور از انتظار نخواهد بود و هر کدام با شیوه‌های خاصی با هم ترکیب شوند. وجود الکترون‌ها، پرتون‌ها، نوترون‌ها و ذرات دیگر می‌تواند رفتار اتم‌ها و پدیده‌های نظیر آن را توضیح دهند. در حال حاضر کوارک‌ها^۱ مفروض گرفته می‌شود تا رفتار فتون‌ها و نوترون‌ها تبیین شود (Swinburne, p.153-156, 2004)

سوئین‌برن نظریه‌های علمی را به دو دسته فرو دامنه^۲ و فرادامنه^۳ دسته‌بندی می‌کند. برخی نظریه‌ها قلمرو و دامنه وسیع‌تر نسبت به نظریه‌های دیگر دارند. این نظریه همان نظریه فرادامنه هستند که دامن تبیین آنها نیز وسیع‌تر است. در مقابل نظریه‌های فرودامنه قرار دارند که هم از نظر قلمرو و هم تبیین محدود هستند. براین اساس نظریه‌های فرودامنه توجیه عملکرد خود را از نظریه‌های فرادامنه اخذ می‌کنند. نمونه ساده از این موضوع قوانین حاکم بر حرکت سیارات از نظریه کپلر^۴ (۱۶۳۰-۱۵۷۱) و نیوتن^۵ (۱۶۴۲-۱۷۲۶/۲۷) است. قوانین کپلر تنها حرکت سیارات را تبیین می‌کند، اما قوانین نیوتن عملکرد نظریه کپلر را تبیین می‌کند که به لحاظ نظریه و دامنه تبیین وسیع‌تر از قوانین کپلر هستند (سوئین‌برن، ۱۳۸۱: ۵۷).

- 1- Quark
- 2- Higher
- 3- low-level
- 4- j. Kepler
- 5- S.I.Newton

۲- تبیین ناظر به شخصی

تبیین ناظر به شخصی مبتنی بر قدرت‌ها، باورها و اهداف است که تبیین ناظر به اراده^۱ نیز نامیده می‌شود که غیر اضطراری است (برن، ۱۳۸۱: ۵۳). در این نوع تبیین علت برخی پدیده‌های، عامل دارای اراده است که با اراده و قدرت خود آن فعل را ایجاد کرده است. برای مثال رخداد E را شخص p برای رسیدن به هدف G ایجاد کرده است. تبیین علمی برگرفته از قوانین طبیعت و وضعیت قبلی امور است، اما تبیین شخصی مستلزم اشخاص و اهداف است. وجود شاخه گل بر روی میز این‌گونه تبیین می‌شود که فردی برای هدف خاصی آن را روی میز گذاشته است (Swinburne, p.38-39, 2004)

۳- تبیین نهایی^۲

برای تبیین قوانین کلی و عام دو نظریه محوری وجود دارد. نظریه ماده‌محور و دیگری نظریه خدا‌باوری. سوئین‌برن نظریه خدا‌باوری را رقیب با رویکرد ماده‌محوری که نوعی علم‌گرایی یا طبیعت‌گرایی محسوب می‌شود، می‌داند. حال کدام یک از این دو تبیین کارآمد و درست است؟ سوئین‌برن تبیینی را کارآمد می‌داند که توجیه‌گر نظم زمانی عالم یا همان قوانین عام است. این نوع تبیین همان تبیین کامل و تمام‌عیار است. تبیین کامل و تمام‌عیار تبیینی است که در آن همه علت‌ها همراه با اصلی‌ترین قابلیت‌ها و شایستگی‌ها از جمله باورها و اهداف آنها بیان شود (Swinburne, 23: 2004)

تبیین نزد سوئین‌برن سلسله‌مراتبی است که در قالب نظریه فرادامنه و فرودامنه

1- Personal explanation

2-Ultimate Explanation

عنوان شده است. نتیجه که سوئین برن از این نحو تبیین، یعنی تبیین نظریه محدودتر با توسل نظریه وسیع تر می گیرد این است که نظریه های متافیزیکی به لحاظ دامنه، وسیع تر از نظریه های فرادامنه ها در حوزه علوم نظری هستند. برن نظریه های متافیزیکی را فرادامنه ترین نظریه ها می داند که می تواند نظریه های علمی فرادامنه پیرامون هستی جهان، قوانین عام، تکامل جانداران و موارد جزئی تر تبیین و توجیه کند. برن معتقد است تبیین ناظر به اشیاء و تبیین ناظر به شخص اثر متقابل بر روی هم دارند. گاه یکی از آنها وجود و عملکرد دخیل در دیگری را تبیین می کند. برای مثال دانش فیزیک تبیین می کند که چرا توپ رها شده از برجی با ۶۴ پا ارتفاع از سطح زمین رها می شود، دو ثانیه طول می کشد تا به زمین برسد. اما در مورد اینکه اصلاً چرا توپ رها شده، نیازمند تبیین ناظر بر شخص است (سوئین برن، ۱۳۸۱: ۷۰). اما همیشه اینگونه نیست همه چیز تبیین داشته باشند. می توان شیء "الف" را به وسیله شیء "ب" و شیء "ب" به وسیله شیء "ج" تبیین کرد، اما در نهایت یک شیء یا اشیاء یا صفات فلان و بهمان وجود خواهند داشت که همه اشیای دیگر به آنها وابسته اند. در چنین وضعیتی باید امری را به عنوان تبیین نهایی بپذیریم. آن شیء یا امر نهایی کدام است؟

۳-۳. اصل سادگی و دیدگاه خداآوری

سوئین برن از طرفداران سرسخت نظریه سادگی است. معیارهای سادگی از نظریه های مفروض، تعداد اصطلاحات و مفاهیم موجود در نظریه هر کدام تعدادشان کمتر از

نظریه رقیب باشد، ساده‌تر خواهند بود. همچنین در صورت‌بندی‌های ریاضی، متغیرها کمتر و یا صورت‌بندی ساده‌تر است، مورد پذیرش‌تر هستند (Swinburne, 1997)

از نظر سوئین‌برن اعتقاد به خدا به‌عنوان همان شخص تبیین‌گر جهان ساده‌تر از نظریه‌های رقیب چون ماده‌باوری است. نظم زمانی عالم به تبیین نیاز دارد. خود علم نمی‌تواند تبیین کند که چرا اشیا دارای فعل و انفعالات بسیار کلی هستند. بنابراین نیازمند تبیینی هستیم که منشأ مشترک واحدی که قدرت ایجاد آن را داشته باشد، عرضه شود. ساده‌ترین تبیین باور به موجودی است که با علم، قدرت و اختیار نامتناهی خود مسئول نظم زمانی عالم است (Swinburne, p.6-334, 2004) پرسش که مطرح می‌شود این است که چرا دیدگاه خداگرایی تبیین ساده‌تر از ماده‌باوری است برای حصول تبیین نهایی است؟

سوئین‌برن در پاسخ به این پرسش بیان می‌دارد که رویکردهای ماتریالیستی پیچیده است، زیرا این دیدگاه بر این باور است که جهان در گذشته از حادثه شگفتی پدید آمده است. جهان به‌نحو تصادفی با قدرت‌های دقیقاً همانند یکدیگر پدید آمدند که علل تامه همه چیز هستند. از نظر سوئین‌برن این مینا پیچیده است و پیچیده‌تر از آن هم این است که این حوزه را از اشیاء مادی در قلمرو انسان‌ها بسیار زیاد و قدرت‌ها و اهداف آنان نیز تسری داده می‌شود (Swinburne, p.160-161, 2004)

سوئین‌برن خداوند را علت وجود ممکنات یا معالیل می‌داند. از آنجایی که معلول‌ها وجود و هستی خود را از خدا به‌عنوان موجود قادر و عالم مطلق می‌گیرند. قادر مطلق است و توان خلق همه چیز را دارد که به واسطه خیر مطلق بودنش جهان را به بهترین وجه خلق کند. در نهایت سوئین‌برن پذیرش دیدگاه خدا‌باور در ایجاد خلق و نظم

جهان را وجدانی‌تر دیدگاه‌های رقیب می‌داد که همان اصل آسان‌باوری^۱ است که با شناخت زمینه‌ای که افراد از خدا دارند، سازگارتر است (Swinburne, p.170, 2004)

۳-۴. خلاصه تقریر سوئین‌برن

م (۱) جهان منظم است

م (۲) جهان منظم به نظم زمانی یا همان قوانین حاکم بر جهان است.

م (۳) نظم زمانی از راه تبیین شخصی قابل تبیین است نه تبیین علمی.

م (۴) بهترین تبیین، ساده‌ترین تبیین است.

م (۵) تبیین شخصی، ساده‌ترین تبیین است.

نتیجه) تبیین شخصی در باب جهان منظم و قوانین حاکم بر آن ناظر بر فاعلی است که از علم، قدرت و اراده بی‌نهایت برخوردار است که همان خدا است.

۴. تقریر جوادی آملی از برهان نظم

از جمله تقریر برهان نظم در جهان اسلام تدوین شده است تقریر جوادی آملی که مبتنی بر استدلال قیاسی است. تقریر ایشان از این جهت حائز اهمیت است که ایشان در این تقریر از استدلال قیاسی دفاع کرده است و علی‌رغم انتقادات جدی که با این نوع استدلال وارد است سعی در اصلاح و بازسازی آن دارد.

۴-۱. مفاهیم و تعاریف برهان نظم براساس تقریر جوادی آملی

یکی از ویژگی کلی و محوری تقریر ایشان، دایر مدار بودن برهان بر رابطه علیت با قرائت اصالت وجودیاست (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۲-۴۶). براساس اصالت وجود

صدراایی ربط وجودی که همواره در نظم طبیعی محقق است بر رابطه علی و معلولی مبتنی است. یعنی اگر موجودات رابطه علی و معلولی بینشان برقرار نباشد، نمی‌توان بین آنها نظمی را شاهد بود.

دومین ویژگی مهم تقریر جوادی آملی این است که وی برهان قیاسی را محور خود قرار داده‌اند و از تقریرهای مبتنی بر استقراء و تمثیل به شدت پرهیز کرده است. تقریر ایشان برخلاف سوئین برن و بسیاری از فیلسوفان غربی که مبتنی بر استقراء است، بر استدلال قیاسی مبتنی است تا نتیجه قطعی و یقینی عاید مخاطب شود و هر تردیدی را برای اثبات ناظم رد کند.

سومین مورد چیستی نظم است. آملی در تعریف نظم ابتدا خاطر نشان می‌کند که نظم از سنج مفهوم و از جمله اوصاف است. همچنین مفهوم نظم امری نسبی و قیاسی است، یعنی از مقایسه دو یا چند چیز این وصف انتزاع می‌شود، براین اساس شیء بسیط هرگز متصف به نظم نمی‌شود. مقایسه گاه اعتباری و قراردادی است مانند، صف نمازگزاران و گاه مصنوعی مانند آنچه در ساعت و رادیو مشاهده می‌شود. در برهان نظم این دو نوع نظم مدنظر نیست، اگر چه نظم مصنوعی در مقام تأیید - آگاهی - مخاطب و متعلم استفاده می‌شود. قسم سوم نظم طبیعی یا همان تکوینی است. نظم تکوینی براساس قرارداد نیست، بلکه در مدار تکوین و حقیقت است و احکام خاص خود را دارد. نظم اعتباری و نظم صناعی در برهان نظم جایگاهی ندارند و تنها نظم تکوینی در برهان نظم مورد اشاره است.

نظم تکوینی در مقایسه با موجودهای خارجی محقق می‌شود و سنجش و قیاس تکوینی تنها از راه ربط تکوینی امکان‌پذیر است. براساس اصالت وجود هرگونه پیوند

تکوینی میان اشیاء از طریق وجود است، هر گونه ربط عامل نظم توسط وجود محقق می‌شود. همچنین نظم در مقابل هرج و مرج و آشوب است، پس موضوع خیر و شر و مسئله نظم دو موضوع کاملاً جدای از هم هستند. نظم تکوینی نوعی "ربط وجودی و ناگسستگی بین دو یا چند چیز" است. این ویژگی منحصر به فرد تنها در نظم تکوینی یافت می‌شود.

نکته دیگری که برای تقریر براهین لازم است اشاره شود این است که جوادی آملی برای اثبات وجود نظم ابتدا سه نوع موجود را از هم متمایز می‌کند که اثبات وجود نظم در هر کدام از آنها متفاوت است.

قسم اول موجودات مادی و طبیعی هستند که نظم این موجودات تنها از راه علوم حسی و تجربی قابل اثبات است. قسم دوم موجودات مجردی هستند که متعلق آنها مادی است که علوم ریاضی متکفل اثبات وجود آنها است. قسم سوم موجودات کاملاً مجردی هستند که محکی و متعلق آنها گاه مجردات و گاه مادی است، مانند افکار و اندیشه‌های روشمند که به صورت برهان در اذهان تجلی می‌کند و بر اشیاء خارجی اعم از مجرد و مادی دلالت می‌کند. اثبات چنین نظمی برعهده منطق، حکمت، کلام، عرفان و علوم مربوط به هر علمی است.

۲-۴. تقریر برهان نظم از دیدگاه جوادی آملی

جوادی آملی در بازسازی و اصلاح برهان نظم متداول که می‌توان از آن تقریر طبیعی از برهان نظم نیز یاد کرد، راه پرفراز و نشیبی را طی می‌کند تا از طریق برهان قیاسی با نتیجه قطعی برای برهان نظم حاصل شود. وی برهان نظم متعارف را متشکل از دو مقدمه می‌داند که یکی تجربی و دیگری عقلی است. ایشان مقدمات را با تمامی ابعاد

و زوایای ممکن به دقت و ظرافت تحلیل و بررسی می‌کند تا اشکالات موجود حل و رفع شود. آملی ابتدا تقریر ساده از برهان نظم را بیان می‌کند. این تقریر بدین شکل تنظیم شده است:

صغری: عالم منظوم است

کبری: هر منظومی ناظمی دارد.

نتیجه: عالم ناظمی دارد.

این تنظیم شکل اول از برهان قیاسی اقترانی است که از شرایط استنتاج آن موجه بودن صغری و کلیت کبری است.

۱- اثبات صغری قیاس و مسائل مترتب بر آن

صغری قیاس همان مقدمه تجربی است که براساس شرایط استنتاج شکل اول باید موجه باشد. جوادی آملی دو نکته محوری صغری را بیان می‌کند. اول اینکه صغری قیاس حسی نیست، بلکه تجربی است. دوم اینکه مقدمه تجربی خود متضمن قیاس خفی است تا آن را به لحاظ عقلی اعتبار بخشد، زیرا تجربی هرگز یقین آور نیست و همراه احتمالی است. توضیح و تحلیل این دو مورد خود به شبهات پیرامون برهان نظم را به زعم ایشان پاسخ می‌دهد.

اولین مورد این که صغرای قیاس حسی نیست، زیرا نظم تکوینی ربط وجودی و ناگسستگی بین دو یا چند چیز است. این تعریف حسی و کیف محسوس نیست. همانطور که قانون علیت از طریق حس درک نمی‌شود، این نوع نظم نیز قابل درک حسی نیست. حس صرفاً درک تعاقبی، کنار هم (همجواری) و یا تداخل را درک می‌کند. نظم تکوینی صرف تعاقب، ترادف، تداخل و مانند آن نیست، بلکه پیوند

ضروری و ربط لزومی دو یا چند چیز است؛ این ضرورت و پیوند هرگز حسی نیست. پس صغرای قیاس تجربی است نه حسی و از جنس احساس که امری روانشناختی است. ایشان اشاره می‌کند اگر گاهی از نظم طبیعی به عنوان امر محسوس یاد می‌شود، برای آن است که فکر با کمک حس آن را اثبات می‌کند، نظیر حرکت که فکر با استعانت از حس آن را ادراک می‌کند. با این توضیحات ایشان تجربی بودن مقدمه اول را اثبات می‌کند.

دومین مورد که جوادی آملی بر آن تأکید دارد، تجربی بودن صغری است. آنچه مسلم است و جوادی آملی نیز به خوبی از آن آگاه است، معضلی است که شواهد تجربی با خود به یدک می‌کشد و آن این است که تجربه و براهین تجربی نتایجش همواره محتمل و غیر یقینی است. این مسئله در براهین استقرائی مشهود است و از آن به "مسئله استقراء"^۱ یاد می‌شود. این مسئله پیشینه تاریخی دارد. در عصر کنونی که با علم تجربی همراه شده، مسئله به صورت جدی تر مطرح و دفتر آن همچنان گشوده است. راهکاری متنوعی برای این مسئله از سوی فیلسوفان ارائه شده است که بیان آن در این پژوهش خارج از موضوع است و خود نیازمند به پژوهش دیگری دارد. جوادی آملی نیز با آگاهی از این موضوع یادآور می‌شود از آنجایی که نتیجه تابع اخس مقدمتین است، اگر مقدمه به حد یقین نرسد، نتیجه ظنی خواهد بود. در این برهان چون صغری تجربی و ظنی است، نتیجه نیز ظنی خواهد بود. راهکاری که ایشان برای این مسئله ارائه می‌دهد این است که مقدمه تجربی مبتنی بر یک قیاس خفی است. براین اساس مقدمه با توجه به قیاس عقلی خفی که در ذهن شکل

می‌گیرد، به لحاظ عقلی معتبر می‌شود. ایشان خاطر نشان می‌کند. نظم "فی الجمله" قابل اثبات است، گرچه نظم "بالجمله" اثبات نشود. اصل نظم فی الجمله قطعی است، چون هر کسی در وجودش نظم را اعم از طبیعی، مثالی و عقلی درک می‌کند. بدین ترتیب وی در اثبات تجربی بودن نظم تردید ندارد و علم را عهده‌دار کشف نظم درونی و غایی می‌داند، اما از آنجایی که این نظم تجربی است و تأثیر مستقیم بر نتیجه برهان دارد باید از حالت تجربی به حالت یقینی درآید تا نتیجه یقینی حاصل شود.

۲- اثبات کبری قیاس و مسائل مترتب بر آن

کبری قیاس در مقام پاسخ به این پرسش محوری است که ناظم یا همان علت فاعلی نظم کیست یا چیست؟ کبری براساس شرایط استنتاج شکل اول باید کلی باشد. براساس این شرط سالبه کلی، یعنی اینکه هیچ نظامی، ناظمی ندارد، منتفی است. همچنین براساس شرایط استنتاج "برخی نظم، ناظمی ندارد"، نیز درست نیست. برای اثبات کبری باید از یقین منطقی استفاده کرد نه یقین روانشناختی که از راه عادت و گاه سنت بدست می‌آید. گرچه موجب افزایش ایمان است، اما ضابطه عقلی و فکری ندارد.

حد وسط باید اثبات شود. در اثبات حد وسط نباید از برهان دیگر استفاده کرد که "خلط برهان بر برهان دیگر"، یعنی استمداد طلبیدن از براهین دیگری نظیر امکان، حدوث یا حرکت برای اثبات برهان نظم، لازم می‌آید.

منظور از ناظم موجود مشخص عینی که سبب پدید آمدن هماهنگی مخصوص در نظم داخلی و غایی موجودات طبیعی است. با این فرض تصادف به طور کلی منتفی می‌شود در عین حالی که در اصل طبیعت محفوظ است. همچنین احتمال

تصادفی بودن نظم محال است، زیرا هیچ مزیتی برای صورت اول نسبت به صورت های دیگر وجود ندارد.

پاسخی که جوادی آملی به این اشکال می دهد این است که آیا نظم در طبیعت می تواند تصادفی باشد یا خیر؟ تصور کنید در ظرفی ۱۰ سکه قرار دارد و از ۱ تا ۱۰ شماره گذاری شده است. اگر بخواهیم سکه ها را به ترتیب شماره از ۱ تا ۱۰ بیرون بکشیم. احتمال بیرون کشیدن به ترتیب یک در ده میلیارد است. وجود چنین احتمالی بسیار ضعیف و در حد معدوم است. اگر عدد سکه ها به همان ترتیب یاد شده بیرون کشیده شود، بدون تردید ناظم آن مدبر و هوشیار بوده است که سکه ها را بدین ترتیب بیرون کشیده است و تصادف امکان ندارد و محال است. ترتیب های دیگر نیز همین صورت را خواهد داشت، مثلاً به صورت معکوس از ۱۰ تا ۱، یا به صورت زوج زوج یا فرد فرد در همه این حالت ها محال است از طریق تصادف باشد و ناظم مدبر نباشد.

انتقاد جدی که می توان به جوادی آملی در مورد مبحث احتمال وارد کرد، این است که احتمالی که ایشان بدان اشاره می کند با هیچ کدام از قرائت های موجود در باب احتمال همخوانی ندارد. احتمال در ساده ترین شکل ممکن فراوانی و بسامدی یک پدیده را می گویند. برای مثال فراوانی عدد شش در ۱۰ بار انداختن تاس کدام است؟ احتمال مد نظر ایشان در مبحث احتمال جای نمی گیرد. اینکه ۱۰ عدد را به ترتیب کنار هم بگذاریم و ۱۰ بار انتخاب داشته باشیم، تنها چیزی که به اثبات می رسد این است که با هر بار انتخاب از هر مجموعه سکه کاسته می شود و در مقابل به سکه های انتخابی افزوده می شود. بنابراین این مثال ایشان سنخیتی با قوانین احتمال به ویژه احتمال بسامدی ندارد.

اما اگر منظور ایشان از این مثال برای نشان دادن نظم دقیق باشد و برای تقرب به ذهن مخاطب این مثال عنوان شده باشد، نقدی بر ایشان نیست. براساس نظم دقیق هماهنگی بی نظیری که در طبیعت وجود دارد و همان که سوئین برن از آن به نظم هم‌زمانی فرادامنه و بنیادین یاد می‌کند، اما جواد آملی آن را نظم تکوینی براساس علت و رابط وجودی عنوان می‌کند. این نوع نظم هرگز نمی‌تواند، تصادفی و احتمالی باشد.

۳-۴. خلاصه تقریر جوادی آملی

م ۱) نظم مفهومی است که از طریق سنجش و مقایسه حاصل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۳). جهان فی الجمله منظم است.

م ۲) نظم به یک اعتبار سه نوع است: مصنوعی، قراردادی و تکوینی (همان: ۲۴).

م ۳) آنچه در برهان مورد توجه است، نظم تکوینی است (همان).

م ۴) نظم تکوینی امر عینی و حقیقی و از سنخ وجود است (همان).

م ۵) نظم تکوینی مبتنی بر رابطه علت و معلول است (همان: ۲۵).

م ۶) رابطه علی و معلولی سه قسم است: ربط علت فاعلی با معلول، ربط علت غایی با معلول، ربط اجزاء داخلی با معلول (همان).

م ۷) برهان نظم برهان مرتبط با علت غایی و اجزاء داخلی است (همان: ۲۶).

م ۸) صغری قیاس اثبات نظم غایی و نظم داخلی است.

م ۹) کبری قیاس اثبات علت فاعلی برای نظم است.

م ۱۰) نتیجه قیاس یقینی از نوع منطقی است، زیرا مقدمات عقلی هستند تجربی یا حسی.

نظم موجود است. این نظم نیازمند ناظم است.

۵. ارزیابی و تطبیق

انگیزه سوئین برن برای تقریر برهان نظم علاوه بر اصلاح و بازسازی، برهان در حکم مقدمه و شاهی برای افزایش احتمال گزاره "خدا وجود دارد" است، اما برای جواد آملی این برهان در نوع خود حائز اهمیت است و علی‌رغم محدودیتی که دارد، مقدمه برای براهین دیگر نیست.

نکته بسیار حائز اهمیت در ارزیابی دو تقریر توجه به جنبه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی این دو تقریر است. سوئین به لحاظ معرفتی و شناختی و برای تبیین باور خدا وجود دارد، تقریرش را ساماندهی کرده است، اما جواد آملی به‌عنوان یکی از براهین پسینی برای اثبات وجود خدا ایراد کرده است نه برای باور به خدا.

این اختلاف بیشتر به بستر فکری و منطقه جغرافیایی دو اندیشمند برمی‌گردد. سنت فلسفی غرب تأملات فلسفی خود را عمدتاً به‌صورت شناختی و معرفتی با گزاره خدا وجود دارد، ساماندهی می‌کنند، زیرا گرایش عمده فیلسوفان غربی طبیعت‌گرایی است و کمتر فیلسوفی تمایل دارد به متافیزیک برای توجیه پدیده‌های طبیعی متوسل شود (see: papineau, 2021) در چنین بستر فکری سوئین برن از استدلال انباشی استفاده می‌کند که توضیح آن گذشت. اما جواد آملی چنین ضرورتی را در تأملات خود به‌لحاظ فضای فکری موجود احساس نکرده است و تقریر را به شیوه سنتی اما با مفاهیم امروزی تطبیق داده و بازسازی کرده است. با توجه به این امر تقریر سوئین برن از برهان نظم مبتنی بر استقراء است اما تقریر جواد آملی تقریر مبتنی بر استدلال قیاسی است.

از ویژگی شاخص تقریر جواد آملی مبتنی ساختن برهان بر اصل علیت است.

از آنجایی که استدلال قیاسی و همچنین رابطه علی و معلولی در معرض نقدهای جدی قرار گرفته‌اند، چرا جوادی آملی بر استدلال قیاسی اصرار دارد و همچنین علی‌رغم اعتراف به اینکه رابطه علی و معلولی نه قابل دفاع و نه قابل انکار است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۵) استدلال خود را بر آن مبتنی ساخته است؟ دلیل اصلی انتخاب این شیوه از استدلال این است که ایشان حساب احتمالات را مفید یقین نمی‌داند. چرا که این نوع استدلال‌ها در نهایت به احتمال ختم می‌شوند و غیر یقینی هستند، در حالی که برهان باید مبتنی بر یقین باشد. بر این اساس وی به رویکردهای استقرائی و براهین انباشتی توجهی ندارد. این نگاه آملی به استدلال می‌تواند مفید برای مخاطبین خاص باشد، اما بر اساس روحیه علم‌گرایی معاصر این نگاه، نگاهی حداکثری است و مورد تأیید همگان نیست و مخاطب عام ندارد.

در تعریف از نظم دو الهیدان اشتراک و افتراق‌های وجود دارد. منظور از نظم نزد سوئین برن نظم زمانی عالم است. سوئین برن بعد از اثبات نظم زمانی و استقرار برهان نظم بر نظم زمانی در پی اثبات موجد این نظم است. در نهایت وی تبیین ناظر به شخص و تبیین نهایی را عرضه می‌کند و ادعا می‌کند باید خالق باشد تا ناظم چنین نظم دقیقی در جهان متصور شد و آن خدا است. ناظم در تقریر سوئین برن نقش علت فاعلی دارد. بدین ترتیب یکی از نقدهای جدی این برهان، یعنی محدودیت برهان که تنها اثبات کنند ناظم است نه اثبات واجب در تقریر سوئین برن مرتفع می‌شود. اما نقدی جدی دیگر بر دامن وی را می‌گیرد که چرا خدا به عنوان علت فاعلی نظم در نظر گرفته شده است؟ همانطور که بیان شد پاسخ سوئین برن مبتنی بر اصل سادگی نظریه خدا باور بود. مکی به این پاسخ برن خورده می‌گیرد و ادعا می‌کند دیدگاه

خدا باوری ساده‌تر از نظریه‌های علمی نیست، آنگونه که سوئین برن گمان کرده است (همیلتون، ۱۳۹۲: ۷۸).

اما نزد جواد آملی نظم تکوینی مدنظر است. نظم زمانی همان قوانین عالم طبیعت است که با نظم تکوینی در برخی وجوه مشترک است. از آنجایی که تقریر جواد آملی برهانی پسینی محسوب می‌شود نظم به دو صورت می‌تواند در طبیعت موجود باشد: ربط غائی و ربط درونی یا ذاتی که همان ماده و صورت است. این دو نوع نظم که به صورت تکوینی، یعنی عینی و وجودی است تنها از طریق رابطه علیت قابل تبیین است. به بیانی ساده‌تر پدیده‌های طبیعی دارای علت غائیت یا علت مادی و صوری هستند. این نظم براساس اصل علیت نمی‌تواند بدون ناظم باشد. پس ناظمی وجود دارد که چنین نظمی را ایجاد کرده است. تقریر جواد آملی تنها وجود ناظم را اثبات می‌کند و محدودیت برهان همچنان وجود دارد. خود ایشان هم اظهار می‌دارد که برهان نظم هرگز توان اثبات ذات واجب را ندارد (جواد آملی، ۱۳۸۶: ۳۸).

سومین موردی که می‌توان مورد بررسی قرار گیرد معضل استقراء است. هر دو اندیشمند در تقریر خود از روش تجربی و استقرائی برای اثبات نظم موجود در طبیعت استفاده کردند و تقریری پسینی از برهان ارائه کردند. سوئین برن براساس جنبه کاربردی قوانین توجه کرده است و نظم را امری مشهود و بدیهی فرض کرده است. اما جواد آملی نظم موجود در طبیعت را تنها ملاک اثبات نظم ندانسته است، بلکه درک نظم نزد وی امری حضوری و درونی است که انسان با درک هماهنگی کاملی که درون وی وجود دارد، نظم را با علم حضوری درک می‌کند. بدین ترتیب تنها با مشاهده نظم بیرونی به نظم جهان پی نبرده است. این نوع برداشت از نظم از نکات

قوت تقریر جوادی آملی محسوب می‌شود و که به زعم ایشان معضلات استقراء را حل می‌کند. علم حضوری که جوادی آملی بدان متمسک شده است را می‌توان بیشتر نگاهی روانشناختی است تا استدلالی، همانطور که در مورد انتقادات هیوم به مباحثی نظیر علیت آن را نوعی روانشناسانه قلمداد کرده‌اند تا استدلالی.

نتیجه‌گیری

دو تقریر از برهان نظم در دفاع از اثبات وجود خدا ایراد شد. مشترکات زیادی بین دو تقریر وجود دارد. تمثیل در دو تقریر جایگاهی ندارد. نظریه فرگشت و تصادف کور به‌طور کلی براساس این دو تقریر منتفی است. نظم زمانی مورد تأکید سوئین‌برن یا همان قوانین بنیادین عالم، تبیین ناظر بر شخص دارای اراده، قدرت و علم را طلب می‌کند که براساس اصل سادگی و آسان‌باوری خداوند بهترین تبیین برای نظم جهان است. نظم نزد جوادی آملی نظم تکوینی است که همان نظمی هدفمند یا نظم درونی موجودات، ناظمی را طلب می‌کند که براساس اصل علیت بر جهان حکومت می‌کند. نظم زمانی و تکوینی در برخی وجوه با هم تلاقی دارند. اختلافات دو تقریر با توجه به بسترهای فکری دو الهیدان دو روش متفاوتی اتخاذ شده است. تقریر برن در نهایت به علت فاعلی و توجیه گزاره "خدا وجود دارد"، منتهی می‌شود. تقریر نو صدرایی جوادی آملی تنها به اثبات ناظم برای جهان اکتفا می‌کند و اثبات وجود خدا را به براهین دیگر واگذار می‌کند. اختلاف عمده دو تقریر به جنبه معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی دو فیلسوف بر می‌گردد. تقریر جوادی آملی جنبه هستی‌شناسی دارد و تقریر سوئین‌برن به جنبه معرفت‌شناسی معطوف است.

منابع

۱. اصغر محمدی و سحر کاوندی، *صورتبندی برهان نظم از منظر سوئین برن*، پژوهش‌های هستی‌شناختی، دو فصلنامه علمی - پژوهشی، سال دوم / شماره ۴ / پاییز و زمستان ۹۲، ص ۹۳-۱۰۸.
۲. جواد پورروستایی، *بررسی برهان نظم از منظر اندیشمندان اسلامی معاصر*، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، خرداد ۱۳۸۹، ص ۷۴-۵۱.
۳. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، *تبیین براهین اثبات خدا*، تحقیق: حمید پارسالانیا، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. _____، (۱۳۸۴)، *توحید در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. جیمز، ویلیام (۱۳۹۷)، *فرگشت و انتخاب طبیعی واقع‌گرایانه*، تهران: نشر بین‌الملل.
۶. داکینز، ریچارد، ۱۳۹۹، *ساعت‌ساز نابینا*، ترجمه شهلا باقری و محمود بهزاد، تهران: انتشارات مازیار.
۷. صدر، محمدباقر، ۱۳۸۲، *مبانی منطقی استقراء*، ترجمه محمدعلی قدس‌پور، قم: انتشارات یمین.
۸. غزاله حجتی، برهان نظم، تکامل و تنظیم دقیق: بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های سوئین برن و مطهری، فلسفه تحلیلی، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۳-۴۸.
۹. فرپژوه، فرخ، *برهان نظم و مسئله گزینش فزاینده*، ۹ سپتامبر ۲۰۰۹.
<https://fargasht.wordpress.com/2009/09/09>
۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا.
۱۱. هملتون، کریستوفر (۱۳۹۲)، *فلسفه دین از کتاب فهم فلسفه*، مترجم منا موسوی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
12. Hume, David (2007), *Dialogues Concerning Natural Religion and Other Writings*, ed. by David Coleman, New York: Cambridge University Press.
13. Kant, Immanuel (1983), *Critique of pure Reason*, Trans by Norman Kemp Smith, London: Macmillan.
14. Mackie, John (1982), *The Miracle of Theism*, (Oxford: Oxford University Press).
15. Paley, William, *Natural Theology, or Evidences of the Existence and Attributes of the*

- Deity**, Collected from the Appearances of Nature, Boston, Gould & Lincoln, 1864, Available at: <[https:// www.iep.utm.edu/design.htm](https://www.iep.utm.edu/design.htm)>.
16. Palmer, William (2001), **The Question Of God**, Swinburne's Design Argument, pp. 137-144. New YORK, Routledge.
17. Papineau, David, "Naturalism", **The Stanford Encyclopedia of Philosophy** (Summer 2021 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <<https://plato.stanford.edu/archives/sum2021/entries/naturalism/>>.
18. Stephen T. Davis, **God, Reason and Theistic Proofs**, Edinburgh, Edinburgh University, 1997, pp. 116-119.
19. Swinburne, Richard, "The Argument from Design". In: Eleonore Stump & Michael J. Murray (Eds.), **philosophy of Religion: The Big Questions**, Oxford, Blackwell, 1988.
20. _____ (2005), **Epistemic Justification**, Clarendon press, Oxford.
21. _____ (1997), **Simplicity as Evidence of Truth**, Marquette Press.
22. _____ (2004) **The Existence of God**, Clarendon press, oxford.
23. Tennant, Frederick, Robert (1930), **Philosophical Theology**, Cambridge, Cambridge University Press.

